

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

دوم سپتمبر ۲۰۱۶

تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

## دیوان

"عبدالله شهاب تُرشیزی هروی"

۱۳۶

مُقَطَّعات

۳۷

اندرز

هرکه با سیفله همنشین گردد عاقبت، کار او تباه شود  
می نه بینی، که در بیساط سپهر کاسفِ آفتاب، ماه شود  
آفتابی بـدان دلارائی که شب از طلعتش، آگاه شود  
گرنه با سفله مجتمع گردد کی رُخس تیره و سیاه شود

\* \* \*

ای بزرگی، که دست همت تو بهر بخشش، بهانه می خواهد

<sup>۱</sup> "کاسف": کلمه عربی ست و اسم فاعل از "کُسوف"، که در معنای "آفتابگرفتگی" یا "گرفتن آفتاب" باشد. پس "کاسف" در معنای "عامل کسوف" است. این لغت را در فرهنگها نیآورده اند و مصحح آن را به قاعده "صرف عربی" همین طور معنی کرد. (خ. معروفی)  
<sup>۲</sup> "آگاه" لغت اصل دری و در معنای "صبح" است - متضاد "بیگانه"، که معنای "شام" را دارد. در حالی که این دو لغت در دری افغانستان به همین معنی وسیعاً تداول دارند، در فارسی ایران هر دو لغت را به شکلی تشریح می کنند، که به هیچ صورت با اصل دری آن مطابقت ندارد!!!

بارگاهِ جلال و تمکینت  
بندهٔ خالصُ العقیدهٔ تو  
از سپهر، آستانه می خواهد  
در جوارِ تو، خانه می خواهد  
مرغ هم آشیانه می خواهد  
نتوان بود کمتر از مرغی؟